

آتش بی عدالتی بر جان زنان



سمید کاکا آقازاده

و یا کتک زدن او و فرزندانش دروغ نمی‌کنند. این رفتار باعث می‌شود تا اعضای خانواده با ترس از برخوردهای خشونت‌آمیز و محدودیت‌هایی که در خانه و اجتماع برایشان به وجود می‌آورد مواجه باشند. پسرها در رفت‌آمد و انتخاب دوست آزادند ولی دخترها آزادی عمل چندانی ندارند و از طرف والدین، سخت تحت نظر و کنترل رفتاری قرار دارند. آنها گاهی در سنین پایین مجبور هستند به خواسته پدر تن به ازدواج ناخواسته بدهند و چون در بیشتر مواقع این ازدواج از روی عشق و علاقه نیست می‌توان گفت با آنها نوعی تجارت می‌شود به خصوص اگر خواستگار پولدار و مسن‌تر از دختر باشد. متأسفانه نگرش‌های موجود به گونه‌ای است که زنان هیچ اختیاری از خود ندارند و اگر بخواهند اعتراض کنند از طرف پدر، برادر و یا حتی شوهر مورد تعرض‌های فیزیکی، توهین و حرف‌های رکیک قرار می‌گیرند که این رفتارهای ناشایست معمولاً غیرت و مردانگی نامیده می‌شود. زنان به دلیل همین محدودیت‌ها و آگاه نبودن به حقوق فردی خود در اجتماع و محیط خانواده و این مسأله که باید تابع مردان باشند به نوعی از افسردگی پنهان رنج می‌برند. آنها نمی‌دانند و یا نمی‌توانند مشکلات و نیازهای خود را به راحتی با مردان در میان بگذارند و دارای حق ابراز عقیده نیستند. محیط خانه و اجتماع برایشان کاملاً بسته است. مردان از روی تعصب و برای حفظ ناموس اجازه هیچ‌گونه رفتار آزادانه را به زنان نمی‌دهند. مواردی مشاهده شده که وقتی زنی خود را بی‌کس و بی‌پناه احساس می‌کند؛ با تنها وسیله قابل دسترس و در بیشتر مواقع با تأثیرپذیری از کسانی که اقدام به خودکشی یا خودسوزی کرده‌اند مبادرت به چنین کاری می‌کند اکثر افرادی که تمایل به خودکشی دارند، افسرده نیز هستند. وجود افسردگی به علت از دست دادن فقدان امید به آینده و کاهش دید مثبت است که سبب منفی‌بافی در شخص می‌شود. در آن شرایط روحی، فرد احساس می‌کند که هیچ‌گونه راه حل ممکن برای مشکلاتش وجود ندارد. این تصور که رنج او همیشه ادامه خواهد داشت و حتی ممکن است بدتر از گذشته هم شود مدام افکار وی را به سوی

در جامعه‌ای که تفاوت طبقاتی به صورت یک واقعیت آشکار است، بی‌تردید فقر اقتصادی و فرهنگی عامل به وجود آمدن بسیاری از بحران‌های روحی و روانی است که به شکل‌های متفاوتی تبدیل به یک پدیده اجتماعی می‌گردد. در غالب شهرهای ایران بالاخص تهران، ایلام، کرمانشاه، کاشان، مهاباد و... تمایل و یا تظاهر به خودکشی به عنوان یکی از راه‌های رهایی از معضلات اقتصادی و مشکلات خانوادگی هر روز شکل تازه‌تری به خود می‌گیرد بدون آنکه از طرف مسئولین برای پیشگیری و حتی آموزش و آگاهی مردم برنامه‌ای ارائه شده باشد. اکنون باید پرسید چه عواملی بر رفتارهای این اشخاص بیشترین تأثیر را گذاشته تا زجرآورترین و بی‌رحمانه‌ترین روش را برای گریز از مشکلات انتخاب کنند؟

فقر اقتصادی و فرهنگی، بیکاری، خشونت، اختلافات خانوادگی، احساس گناه نسبت به خطاهای انجام شده، داشتن رابطه نامشروع، تهمت‌های ناموسی، تبعیض بین جنسیت در خانواده، ازدواج‌های تحمیلی، اعتیاد به مواد مخدر و بزهکاری، آسیب‌های روحی و روانی و... در میان زنان و دختران و حتی مردان، اشخاصی هستند که به علت عوامل مختلفی اقدام به خودکشی یا خودسوزی می‌کنند، مرگ دلخراشی که آثار آن خارج از تصور است. در کشور ما از دیرباز مردسالاری نوعی حاکمیت در خانواده به حساب می‌آید و زنان به عنوان اشخاصی دلسوز و فداکار متأسفانه نتوانسته‌اند جایگاه واقعی و ارزش حقیقی خود را مانند مردان در جامعه پیدا کنند. هر چند وضعیت زنان با گذشته تغییرات زیادی کرده و در ساختارهای مختلف اجتماعی و سیاسی همپای مردان لیاقت و شایستگی خود را نشان داده‌اند. ولی موقعیت آنان به لحاظ تنوع فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای حاکم بر جامعه شرایط متفاوتی ایجاد کرده است، که قابل مقایسه با هم نیستند. در خانواده‌های سنتی، مردان به دلیل نوع تفکر و نگرشی که نسبت به زنان دارند هر لحظه آماده ناسزاگویی و پرخاشگری هستند و اگر بهانه‌ای پیدا کنند در بیشتر مواقع از تحقیر همسر

پر جمعیتی هستند صبح‌ها وقتی از خواب بیدار می‌شود باید در کنار مادر به سختی کار کند هیچکس به زندگی و آینده او اهمیت نمی‌دهد. می‌خواهند وادارش کنند با کسی ازدواج کند که مسن‌تر از خودش است؛ یک ازدواج اجباری. او حق تصمیم‌گیری و انتخاب ندارد. مادر که در بیشتر مواقع بار مشکلات خانواده بر دوش اوست در مقابل پدر هرگز قدرت و اختیاری نداشته و در هر شرایطی باید از شوهرش فرمان ببرد. پدر چنان خسته و عصبی از کار بر می‌گردد که تحمل هیچ حرفی را ندارد.

اینجاست که او احساس می‌کند به بن بست رسیده افسردگی و دردهای پنهان این سال‌ها او را در هم شکسته، در این فکر است شاید خودکشی به عنوان تنها راه گریز از دغدغه و فشارهای روحی و گاه جسمی خواهد بود و ناگزیر برای نشان دادن مظلومیت خود و یادآوری حس مسؤلیت دیگران اقدام به این کار می‌کند. هر چند نمی‌خواهد خودش را از بین ببرد فقط به دنبال ترساندن و جلب توجه اطرافیان است. در گوشه‌ای خلوت نفت را روی بدنش می‌ریزد کبریت را می‌کشد، در آن لحظه دستانش نمی‌لرزد، تردیدی در دل راه نمی‌دهد ناگهان شعله‌های آتش، بدنش را فرا می‌گیرد و صدای ناله و فریادش که مدام می‌گوید: دارم می‌سوزم، سوختم... وقتی اطرافیان می‌شنوند که خیلی دیر شده و تمامی بدنش به سختی سوخته است. او را از شهرستانی که زندگی می‌کند به مرکز استان انتقال می‌دهند و بعد از مدتی به علت نبود امکانات کافی به تهران منتقل کرده و در یکی از مراکز سوانح سوختگی بستری می‌کنند، سوختگی او بالای ۶۵ درصد است. یکی از پزشکان می‌گوید کسانی که بیشتر از ۵۰ درصد دچار این گونه سانحه شده‌اند مدت زیادی نمی‌توانند زنده بمانند و امیدی به زنده ماندنشان نیست.

سرانجام زندگی الهه بسیار آرام در آتش بی عدالتی خاموش شد بدون شک اشخاصی مانند الهه کم نیستند که در گوشه‌ای خلوت دور از چشم دیگران با نفت یا بنزین اقدام به خودسوزی می‌کنند.

دکتر محمد تقی یاسمی، رییس اداره بهداشت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هشدار داده است، آمار خودکشی در برخی مناطق کشور به ویژه نواحی غربی در زنان بسیار زیاد است.

وی علت افزایش خودکشی به خصوص در زنان ایرانی را عدم دستیابی به راهکار مناسب برای رهایی از استرس دانسته و تأکید می‌کند باید برنامه ریزی جداگانه‌ای برای سلامت روان آنها در نظر گرفته شود. زیرا مردان در جامعه راحت‌تر با مشکلات روحی، روانی مقابله می‌کنند ولی به دلیل برخی از محدودیت‌ها این امکان برای زنان وجود ندارد. لذا آنها آسیب پذیر هستند.

دکتر معتمدی مدیرکل دفتر آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی نیز گفته است. سالانه حدوداً ۳ هزار نفر در ایران خودکشی می‌کنند. رقم خودکشی در کشور ما ۵ نفر در هر صد هزار نفر در سال است. ۵ درصد هزار نفر یعنی این که حدود ۳ هزار نفر در جمعیت کل ایران در سال (هر ۳

مرگ می‌کشاند و به این صورت مرگ در واقع یک عمل برگشت‌ناپذیر است، لذا در دوره افزایش استرس و افسردگی، شخص تحت تأثیر عوامل بیرونی و توهمات خود که خیال می‌کند از رنج زندگی رهایی پیدا خواهد کرد، در ناامیدی اقدام به خودکشی می‌کند.



عکس: امیر آزادین

هر نوع مرگی که به طور مستقیم از عمل مثبت یا منفی فرد که در نتیجه اقدام خودآگاه بوده است ناشی گردد، خودکشی نامیده می‌شود. شاید خودکشی آخرین واکنش فرد و تنها به منظور از سرگیری تماس از دست رفته باشد. انسان خود را علیه کسی و برای چیزی می‌کشد. این امر فی‌نفسه از جنبه پویایی خود قابل تفهیم نیست. بدین ترتیب مشاهده می‌شود، در نابسامانی‌های شدید زندگی و حتی در بعضی موارد در برابر از هم پاشیدگی ارزش‌ها، فرد دچار اضطراب و هراس می‌شود در آن شرایط ممکن است راه حل خودکشی را در نظر بگیرد. آنچه جنبه مرگ را مشخص می‌کند، نفس اقدام یعنی گام نهادن به مرحله عمل است. آنکه می‌خواهد بمیرد در همان لحظه میل دارد تا زنده هم بماند و او بین این دو میل در تردید است و سرانجام تصمیم خود را خواهد گرفت.

الهه، یک نمونه واقعی

الهه که تنها ۱۶ سال سن دارد از خیلی چیزها رنج می‌برد. او نمی‌داند نیازها و کمبودهایش را با چه کسی در میان بگذارد. افسرده و ناامید است، احساس می‌کند محیط خانه برایش جای مناسبی نیست. آنها نسبتاً خانواده

ساعت یک نفر) خودکشی می کنند. اما آمارها در این باره کمی نگران کننده تر است. جداول تهیه شده چند نمونه از آمار خودکشی یا خودسوزی در بعضی از شهرهای ایران را در چند سال اخیر نشان می دهد:

آمار خودکشی در استان تهران*

سال	زنها در سال		مردها در سال		جمع کل ۷۸ و ۷۹	
	۷۸	۷۹	۷۸	۷۹	۷۸	۷۹
تعداد	۱۵	۱۷	۴	۵	۱۹	۱۷
II	۳۵	۳۲	۲۲۰	۲۰۸	۲۵۵	۲۵۰
II	۱۲	۱۶	۱۴	۲۲	۲۶	۲۹

گفته شده روزانه ۲۰ نفر در تهران اقدام به خودکشی می کنند.

آمار خودکشی زنان در استان کرمانشاه

سال	درصد زنان در تعداد در اقدام خودکشی	گروه سنی
۷۶	۶۲/۶	۱۰ الی ۱۹
۷۷	۶۲/۵۰	
۷۸	۶۵	

همچنین در سال های ۷۶-۷۷-۷۸ به ترتیب ۶۷/۷ درصد، ۵۷/۲ درصد، ۵۳/۸ درصد زنان که اقدام به خودکشی کردند، متأهل بوده اند.

آمار خودکشی در استان ایلام

سال	تعداد خودکشی	درصد زنان که خودکشی کرده اند	خودکشی منجر به مرگ	خودکشی ناموفق
۷۷	۳۴۴	۶۲/۵	۲۴/۲	۷۵/۸
۷۸	۲۷۱	۶۱/۲	۳۷/۷	۷۲/۳
۷۹	۳۲۸	۶۵	-	-

در ایلام، در سال ۱۳۸۱ حدود ۵۲۰ نفر اقدام به خودکشی کرده اند. که این رقم نسبت به سال (۱۳۸۰) ۱۷ درصد رشد داشته و از این تعداد ۱۰۷ مورد موفق و ۲۲۲ مورد ناموفق گزارش شده است. در این آمار ۲۶۷ مورد خودکشی مربوط به زنان و ۲۶۲ مورد مربوط به مردان بوده است. از سوی دیگر آمار خودکشی در میان مجردان ۲۴۶ مورد و در میان متأهلان ۱۸۴ مورد بوده است، و ترکیب سنی افراد از مجموع ۵۲۰ نفر ۲۱۲ مورد آن بین ۲۰-۱۰ بوده اند که بالاترین رقم در بین گروه های دیگر سنی به شمار می رود.

آمار خودکشی در شهرستان مهاباد (بهمن ۸۰ - تیر ۸۱)

تعداد	درصد	تعداد زنها	تعداد مردها	شهرها	روستا	نوع فوت کرده
۸	۴	۷۸	۴۹	۱۰۵	۲۲	۲۴ نفر
۱	۰/۸	-	-	-	-	-

از اول بهمن تا ۳۰ تیر ۱۳۸۱ کسانی که اقدام به خودکشی کرده اند، از تعداد ۱۲۷ نفر ۳۶ درصد گروه سنی ۱۵ الی ۱۹ سالگی - ۳۹ درصد گروه سنی ۲۰ الی ۲۴ سالگی - ۱۷ درصد گروه سنی ۲۵ الی ۲۹ سالگی بوده اند. آمارها نشان می دهد در مهاباد زنان ۲۲ درصد بیشتر از مردان اقدام به خودکشی کرده اند. همچنین جمعاً ۸۲ درصد در گروه سنی ۱۵-۲۹ سالگی یعنی دوره جوانی قرار دارند. از نظر محل سکونت ۸۳ درصد شهرنشین و ۱۷ درصد ساکن روستاها بوده اند.

کگیلویه و بویراحمد و شدت خودکشی زنان

سیدمحمد کاظم نظری، رییس سازمان بهزیستی این استان گفته است: پژوهش های مربوط به سال ۸۰ حکایت از این دارد که جامعه زنان این استان به خصوص روستاییان به شدت در معرض خودکشی هستند. وی اظهار داشت: از مجموع ۱۷۴ مورد اقدام به خودکشی ۷۴/۷ درصد به زنان و ۲۵/۳ درصد به مردان اختصاص دارد که از این تعداد ۴۳/۱ درصد خودکشی موفق و ۵۶/۹ درصد آن ناموفق بوده که از میان موفقها ۷۸/۷ درصد مربوط به زنان و ۲۱/۳ درصد از آن مردان است. طبق آمارهای موجود ۴۸ درصد خودکشی های موفق زنان ۹۸/۱ درصد این نوع خودکشی به صورت خودسوزی بوده است. در این میان خودکشی زنان متأهل ۹۲/۱ درصد بوده است. همچنین در شش ماه اول سال گذشته در این منطقه ۳۳ نفر اقدام به خودکشی کردند که از این تعداد ۱۴ مورد موفق و ۱۹ نفر ناموفق بودند. و در شش ماه اول امسال نیز ۳۴ مورد خودکشی در استان صورت گرفته که ۲۳ مورد آن موفق و ۱۰ مورد ناموفق بوده است که نشان از رشد بالای این معضل در منطقه دارد.

کاشان و آمار میان سالان

در ۶ ماهه دوم سال ۸۰ نزدیک به ۱۲ مورد خودکشی در کاشان صورت گرفته که ۱۰ نفر از قربانیان مرد بوده اند. و سن آنها بین ۲۸ تا ۴۲ سال برآورد شده است.

ترکمن ها

رحیمی، پژوهشگر گروه علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد در مقاله ای نوشت: خودسوزی دختران ترکمن در شهرستان بجنورد افزایش یافته است. در جامعه مورد نظر، زنان و دختران همچون کالا خرید و فروش می شوند. در ضمن در سال ۱۳۷۴ در یکی از روستاهای منطقه به تنهایی در مدت یک سال، شش مورد خودسوزی رخ داده بود که وضع سایر روستاها نیز کم و بیش به همین روال بوده است.

قزوین و خودکشی زنان در روستاها

۱۵ زن در یک روستای این منطقه خودسوزی کرده اند.

یزد

برادرم اکبر ۳ سال پیش به علت سوختگی شدید فوت کرد. من از کاری که کردم پشیمانم و نمی دانم آیا خوب می شود، سرنوشت فرزندم چه می شود.

زهرآ ۲۱ ساله به وسیله نفت اقدام به خودسوزی کرده و با ۴۸ درصد سوختگی عمیق در بیمارستان بستری شده است. آنها خانواده پرجمعیتی هستند که در حومه ایلام زندگی می کنند و از نظر مالی وضعیت مناسبی ندارند.

لادن ۲۴ ساله، او قربانی تهمت ناموسی شده است. وی گفت وقتی یکی از بستگان به ناحق مرا متهم به کاری کرد که انجام نادم. از طرف شوهر و بعد خانواده ام مورد خشونت فیزیکی قرار گرفتم و چون دیگر این همه تحقیر را نمی توانستم تحمل کنم اقدام به خودسوزی کردم.

(مازندران) معصومه ۱۹ ساله حدود ۴ ماه است که ازدواج کرده و به دلیل اختلافی که با مادر شوهرش داشته است اقدام به خودسوزی کرده است.

(پیرانشهر) زینت ۱۶ ساله، مادرش به علت بیماری مدت هاست که در خانه بستری است. پدرش نیز تقریباً بینایی هر دو چشم خود را از دست داده و نمی تواند کار کند. او مجبور بود. برای تأمین مخارج زندگیشان در مزرعه به سختی کار کند. روزی به دلیل درگیری لفظی با پدرش و شاید از شدت ناراحتی اقدام به خودسوزی می کند و بعد از مدتی در بیمارستان فوت می کند.

پدیده خودکشی و یا خودسوزی نه تنها در محیط خانواده ها بلکه در سطح دانش آموزان هم دیده می شود و نشان دهنده خیلی از واقعیت های درون جامعه ایرانی است. که سرچشمه آن در تعارض فرهنگی درون یک نظام اجتماعی است. زنانی که درگیر سنت ها و آداب و رسوم قدیمی هستند، بیشتر از مردان در معرض فشارهای روانی و اجتماعی قرار دارند. و در کنار بسیاری از مشکلات خانوادگی دچار سوء رفتار در رابطه های زناشویی نیز شده اند. زنان مجبور هستند هرگونه آزار و اذیت و حتی تحقیری را تحمل کرده و در ساختار نامناسب فقر فرهنگی و اقتصادی به این باور برسند که در مقابل نادیده گرفتن شخصیت خود و ناملایمات به دنبال راه نجاتی باشند.

ولی چرا بیشتر موارد خودکشی در شهرهای کمتر توسعه یافته انجام می گیرد. و علت آن را باید در کجا جست و جو کرد. یکی از مسائل عمده این مناطق، نابسامانی در رابطه با فقدان فرصت های شغلی مناسب است که باعث شده تا بیشترین نرخ بیکاری را داشته باشند و بی شک در مدت زمانی طولانی تر پیامدهای ناگوار اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

چه باید کرد؟

در حال حاضر می توانیم نسبت به شرایط اقلیمی و آداب و رسوم هر منطقه برنامه هایی ارائه کنیم. در وهله اول ایجاد مرکز اشتغال را با هدف

سال گذشته زنی به علت آنکه شوهرش او را تحقیر و تمسخر می کرده و همچنین بی توجهی از طرف همسر و ایراد به نحوه طبخ غذا و پرستاری بچه و نهایتاً تهمت بدون دلیل به خاطر رفتن به خانه همسایه ها خودسوزی کرد. وی در لحظه ای از سفره ناهار به طرف راهروی حیاط رفته و با گالن نفت اقدام به خودسوزی نمود. اما بعد از شعله ور شدن او به حیاط رفته و استمداد کمک کرد عشق به زندگی و فرزند موجب شد که بعد از مدتی بستری شدن در بیمارستان به خانه اش برگردد. او گفته است از شوهرم شکایتی ندارم و اگر بهبود یافتم می خواهم با وی زندگی کنم.

کرمان

زنی به نشانه اعتراض به ازدواج مجدد شوهرش خود را در میدان آزادی کرمان به آتش کشید.

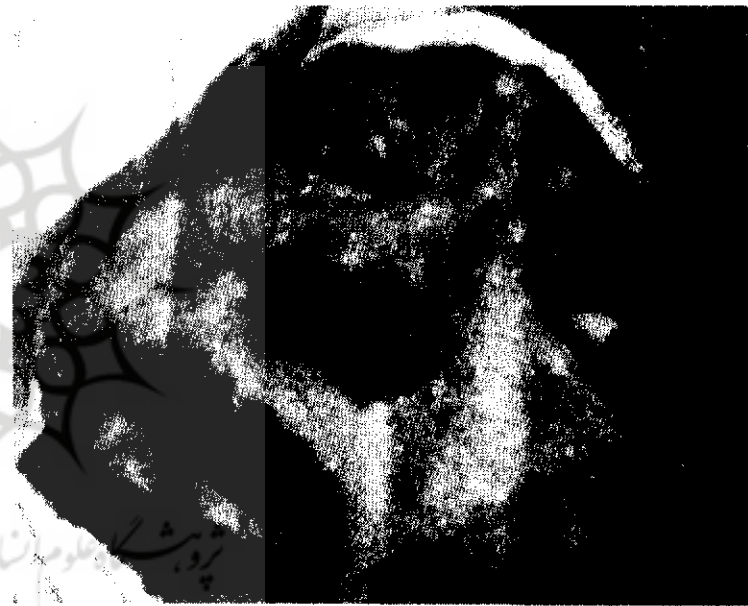
مازندران و آمار ۸۳ درصد

آقایان ضرغامی و خلیلیان از گروه روان درمانی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در تحقیقی در زمینه خودسوزی اعلام کرده اند که درصد بالایی از کسانی که دست به خودسوزی می زنند، نوجوانان و جوانان هستند. در صورتی که این آمار در کشورهای غربی وجود ندارد. دلیل این تفاوت شاید ساختار جوان جامعه ما باشد. که از میان این جوانان ۸۰ درصد آنها رازنان تشکیل می دهند که اغلب نیز متأهل هستند. نتایج این تحقیق در طول سال نشان می دهد ۳۱۸ مورد اقدام به خودسوزی کرده اند که در این میان ۸۳ درصد (۲۶۴ نفر) زن و ۱۷ درصد (۵۴ نفر) مرد بوده اند.

همان طوری که آمارها نشان می دهد میزان خودکشی در بین زنان و دختران خیلی بیشتر از آقایان است. اما در عین حال به این آمارها نمی توان اطمینان کامل داشت زیرا تاکنون آمار دقیقی از سوی مراجع ذی صلاح ارائه نشده است به همین دلیل امکان ثبت دقیق وقایع فوق در این زمینه وجود ندارد. از طرفی به علت آنکه خاستگاه خانواده ها براساس رابطه های سنتی آن مناطق تقسیم بندی می شود، معمولاً اشخاص برای حفظ حیثیت و آبروی خود از بازگو کردن علت واقعی و نحوه خودکشی اعضای خانواده خود امتناع می ورزند، چنانکه حتی خود افرادی که خودسوزی کرده اند نیز حاضر به مصاحبه درباره علل خودسوزی خود نیستند. به این جهت امکان ثبت حوادث خودسوزی، آن گونه که روی داده است، واقعاً ممکن نیست. با این حال نمونه هایی ثبت شده که بخشی از آن چنین است:

(ایلام، منطقه مهران) فاطمه ۲۳ ساله، سوختگی او ۳۰ درصد است و در حال حاضر حمله نیز می باشد. و به علت آنکه از دست خانواده اش به شدت ناراحت و عصبانی شده است. اقدام به خودسوزی کرده. وی گفت در منطقه ای که مازندگی می کنیم خیلی ها مبادرت به خودسوزی می کنند.

توسعه طرح های صنعتی و تولیدی همچنین کشاورزی در راستای کاهش مهاجرت های بی رویه خانواده ها و رفع محرومیت های مضاعف فعلی البته بدون تنگ نظری و برخوردهای سلیقه ای. به وجود آوردن امکانات رفاهی، گردش و تفریحی برای گذراندن اوقات فراغت، آموزش دادن به خانواده ها برای جلوگیری از اعمال خشونت به خصوص نسبت به کودکان و جوانان تا زمینه تفکر خودکشی و حتی فرار از خانه در آنان به وجود نیاید. ما تاکنون امکاناتی برای استقلال جوانان به وجود نیاورده ایم و این نکته را در نظر نداشتیم. همچنان که جسم ما نیازمند غذا و ویتامین های مختلف است، روان فردی اشخاص نیز نیاز به انواع رابطه های عاطفی خواهد داشت. مانند: مورد توجه بودن، عشق ورزیدن، امکان انتخاب در نحوه زندگی، ایجاد ارتباط دوستی با دیگران، استفاده کردن از موقعیت های اجتماعی، داشتن زندگی سالم و با نشاط



و... از طرفی زنان از ابتدایی ترین حق خود در جامعه محروم هستند و در قانون مجازات اسلامی جرمی تحت عنوان خشونت علیه زنان یا همسر آزاری تعریف نشده است. طبق آمارهای به دست آمده بین ۱۶الی ۵۶ درصد زنان، قربانی تهاجم جسمی و روحی همسران خود بوده اند. همچنین به گفته جمشیدی معاون اول مجتمع قضایی خانواده، آمار طلاق در فروردین ماه سال ۸۲ نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد افزایش داشته است. وی گفت: روزی دو هزار نفر به مجتمع قضایی خانواده مراجعه می کنند که ۸۵ درصد آنها مربوط به تقاضای طلاق است. در اکثر این پرونده ها متقاضی زنان هستند.

برای پیشگیری از معضلات خودکشی، فرار از خانه، طلاق و بسیاری از موارد دیگر نیاز به قوانینی داریم که هیچ حقی از افراد جامعه به خصوص

زنان گرفته نشود و ما مردان باید به این باور برسیم که نقش زنان در کانون خانواده و جامعه حائز اهمیت است و نباید آنها را به عنوان جنس دوم در نظر بگیریم.

در رابطه با وضعیت و مشکلات زنان در جامعه ای کنونی با محمود رحمانی اصفهانی وکیل پایه یک دادگستری مصاحبه ای انجام داده ایم که در ذیل می خوانید:

برای اینکه زنان جامعه ایرانی به آرزوی خود که همانا نابرابری و مساوات با مردان است، برسند. باید این تفکر غلط که زن جنس دوم است از ذهنیت مردم و مسئولان خارج شود. زن و مرد با یکدیگر تفاوت دارند و با توجه به قدرت و توان جسمانی و عقلانی خود مسؤلیت پذیر هستند، اما زن جنس دوم نیست و مرد هم جنس برتر نیست، هر دو پاره های یک انسانیت وجودی هستند و هر دو جایگاه خاص خود را دارند. پیامبر اکرم می فرماید: بین فرزندانان مساوات را برقرار کنید ولی اگر قرار باشد برای بعضی نسبت به دیگری فضیلت قائل شوید من زنان را در فضیلت بخشیدن ارجح می دانم.

رحمانی اصفهانی با تأکید بر تلاش برای بالنده شدن شخصیت زنان، اعطای حق تکلیف، تحمیل، زیاده روی، اعمال قدرت های جاهلانه و نابخردانه به مردان در مقابل زنان را رد کرده و می افزاید: در رابطه با حقوق و منزلت زن هر چه سنت است نباید نفی شود و هر چه جدید است نباید پذیرفته شود. استقلال زن و برخورداری وی از هویت مستقل به معنای نفی آنچه دیگران دارند نیست. نواندیشی، نقد راه حل های جدید و گزینش آگاهانه درست و کنار گذاردن روش های نادرست است. متأسفانه عقاید متعصبانه و نگرش به سنت های غلط، منجر به اعمال خشن و زینبار علیه زنان می شود. اعمالی از قبیل ازدواج زود هنگام و اجباری دختران، ارجحیت پسر به دختر، سقط جنین دختر و سوء تغذیه، بچه کشی دختران و سوزاندن بیوه زنان به همراه جنازه شوهر در بعضی کشورها از جمله هندوستان و یا قتل های مربوط به تهیه جهیزیه، یک نوع پیروی کورکورانه ناشی از کمبود آموزش و اطلاعات علمی مخصوص در قشر زنان می باشد، حتی هنوز در بیشتر جوامع بشری ساختار جنسیت زنانه ایجاد می کند که زنان موجوداتی بی اراده، منفعل، مطیع و سر به زیر تربیت شوند و خشونت علیه خود را به عنوان قسمتی از واقعیت وضعیتی زنانه پذیرا شوند.

این وکیل دادگستری، پایه و اساس گرایش زنان به ورطه سقوط و تباهی و خودکشی و خودسوزی را خشونت نسبت به زنان، مثل خشونت خانگی، آزار جنسی و خشونت در روابط زناشویی و... دانست و گفت: پدران و شوهران خشن امروزی، کودکان والدین خشن دیروزی هستند. محیط خانواده اگر بستر ایجاد خشونت و پر خاشاگری باشد می تواند نقش قطعی و اجتناب ناپذیری در افزایش رفتار خشونت آمیز در بروز و ظهور آن ایفا نماید.

وی استعمال مواد مخدر و الکل و دسترسی به مواد آتش زا و اسلحه و

داروهای کشنده و تحریکات خود قربانی خشونت را دارای اثر فزاینده‌ای بر اعمال خشونت نسبت به زنان ذکر حذف و ابراز عقیده کرد: مسلماً جهت مبارزه با خشونت به زنان که از اثرات آن خودسوزی و خودکشی زنان است باید به جای مبارزه با معلول‌ها با علل و ریشه‌ها مبارزه نمود. وی کشور هند را به عنوان کشوری که دارای نابرابری بسیار فاحش میان زنان و مردان است و ابعاد گسترده‌ای دارد، ذکر کرد و افزود: برای مثال در سال ۱۹۸۲ بیش از ششصد پرونده جزایی در مورد قتل زنان از راه سوزاندن در دهلی نو مطرح بود.^{۲۰}

آقای رحمانی اصفهانی گفت: طبق تحقیق بانک جهانی ۳۰ درصد از موارد آسیب دیدگی زنان در مناطق روستایی کشور چین به دلیل خودکشی بوده است، خشونت نسبت به زنان اصولاً به سبب عدم آگاهی جامعه و خانواده در مورد جایگاه و مقام واقعی زن است. وجود خشونت نسبت به زنان مغایر مقام و ارزش انسانی زنان می‌باشد و مانع از برخورداری حقوق انسانی است. و افزایش خشونت سازمان یافته همانا مانع از برقراری توسعه و عدالت اجتماعی است. خشونت در خانواده به خودسوزی و خودکشی و انواع بیماریهای روحی، جسمی منجر می‌شود که امری پنهان است و در مورد آن آمار صحیحی نداریم.

وی ابراز عقیده کرد: متأسفانه برخی لفظاً و ضربوهن در قرآن مجید را مجوزی برای اعمال خشونت علیه زنان می‌دانند در صورتی که پرخاشگری و کتک زدن و خشونت مردان نسبت به زنان از عوارض انسانی نیست. انسان با فضیلت کسی را کتک نمی‌زند و مسلماً در همسررداری باید عشق و عاطفه در میان باشد. قرآن تعبیر می‌کند، که زن آرامش مرد و مرد آرامش زن است. باید در خانواده همیشه عشق و محبت بین زوجین باشد تا محیطی گرم فراهم شود. فقدان عشق و محبت در خانواده، تبعیض و عدم تربیت صحیح و تحمیل ازدواج اجباری و فاصله سنی در آن و پایین بودن سن دختر و فقدان نفقه و نیازهای زندگی، سوءاخلاق و رفتار زوج، توهین و ایجاد حقارت، هتک حرمت، زن آزاری، عدم رابطه صحیح در روابط زناشویی و همبستری، عدم درک معنوی، بیکاری و داشتن اوقات اضافی و دوستان ناباب و فقر فرهنگی و غیرهمگی می‌تواند محیط توأم با خشونت را برای زن ایجاد کند و نهایتاً زن را وادار به خودکشی و خودسوزی نماید.

تعارض در مقررات قانونی

رحمانی اصفهانی درباره مشکلات و وضعیت زنان در ایران توضیح داد: در کشور ما زن ایرانی از امنیت کافی در زندگی فردی و اجتماعی خود برخوردار نیست. قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی به طور مجزاً حقوق زن و مرد را مشخص نکرده است و تعارض در مقررات قانونی، موجب بدبینی، ناامیدی و احساس عدم امنیت در زنان می‌شود و بدین لحاظ، خانم‌ها چتر حمایتی قانون و حاشیه امن را ضعیف می‌بینند و نهایتاً آمادگی

در خودسوزی و خودکشی را فراهم می‌آورد. اگر چه این اقدامات در قانون ما جرم نیست ولی بررسی علل گرایش به خودسوزی و خودکشی زنان جهت سالم سازی محیط اجتماعی و ایجاد بستر مناسب جهت شکوفایی زنان و برخورداری از حقوق و عدالت اجتماعی ضرورت دارد. اگر قوانین و مقررات جاری را بررسی کنیم بسیاری از موارد تعارض در حقوق زن و مرد مشخص می‌شود که خود یک عامل منفی در بروز حوادث (مثل خودسوزی و خودکشی زنان) می‌تواند باشد.

این وکیل پایه یک دادگستری در پایان مصاحبه، نمونه‌هایی از قوانینی که می‌تواند در ترغیب به خودسوزی زنان مؤثر باشد را بدین شرح فهرست کرد:

طبق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در روابط زوجین ریاست خانواده با مرد می‌باشد.

مطابق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی گزیند.

بر اساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا شغلی که منافی مصالح خانوادگی باشد منع کند. پس زن شوهردار ایرانی به حکم قانون فاقد امنیت در زندگی حرفه‌ای و شغلی بوده و از حق انتخاب آزادانه شغل محروم است.

طبق ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی: هرگاه هر مسلمان عمداً زن مسلمان را بکشد محکوم به قصاص می‌شود. ولی دم زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را باید بپردازد.

طبق ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی: دیه قتل زن نصف مرد است. در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی: دیه زن و مرد یکسان است، وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در این صورت دیه زن نصف دیه مرد می‌شود.

طبق ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم بر تمکین زن را داشته باشد می‌تواند در همان حال، آنان را به قتل برساند، حال اگر زنی که شوهر خود را در حال زنا با زن دیگری مشاهده کند و از فرط خشم و حسد مرتکب قتل یا ضرب و جرم شود، قانون ساکت است.

طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی: حق طلاق با مرد است.

موارد فوق و بسیاری از موارد دیگر در مقررات قانون بیانگر تعارضات و تفاوت‌هایی است، که در حقوق زن و مرد وجود دارد.

با بررسی خودکشی و خودسوزی‌ها در کشورمان متوجه می‌شویم که طی پنج سال گذشته خودکشی و خودسوزی در میان زنان افزایش چشمگیری داشته است. که این موارد در استان‌ها و شهرهای مرزی همچنین مناطق روستایی که نارسایی‌ها، فقر عمومی و فاصله طبقاتی زیادتر است دیده می‌شود.

* آمارهای آرایه شده در آرشیو مجله موجود است.